

تأثیر مضامین اخترشناسی بر نگارگری شاهنامه و آثار منظوم و مصور شاعران دوره اسلامی

چکیده

پیشگویی آینده از طریق ستارگان یا اجرام فلکی از زمان پیدایش بشر یکی از مسائل و موضوعات آکنده از رمز و راز به‌شمار می‌آید که با همه پیچیدگی‌اش کاربردی زیادی در فرهنگ جهانی یافته است؛ به‌گونه‌ای که در سراسر زندگانی آدمیان می‌توان کارکردهایی از نجوم و طالع‌بینی را مشاهده کرد. در ایران نیز از گذشته‌های دور، پهلوانان و شاهان برای انجام کارهای مختلف مانند جنگ یا ازدواج یا سفر، خود را ملزم به هم‌اندیشی با منجمان و پیشگویان خبره می‌دانستند یا برخی از وقایع آینده را که در خواب می‌دیدند، با بهره‌گیری از دانش ستاره‌شناسان، مورد تعبیر یا تفسیر قرار دهند. این مضمون در ادبیات و نگارگری دوره اسلامی نیز دیده می‌شود. مسئله پژوهش حاضر واکاوی مفاهیم اخترشناسی در شاهنامه و آثار منظوم و مصور شاعران دوره اسلامی است. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به رشته تحریر درآمده است. نگارندگان در این پژوهش کوشیده‌اند به بررسی میزان تطابق یا تشابه مقوله‌های اخترشناسی در ابیات شاهنامه فردوسی و دیگر پارسی‌سرایان دوره اسلامی بپردازند. نتایج، نشان می‌دهد که پیش‌بینی اخترشناسان بر روند زندگی ایرانیان در دوره اسلامی تأثیر فراوان داشته است. بسیاری از شاهان پیش از انجام امور حیاتی به هم‌اندیشی با منجمان پرداخته و با شنیدن پیشگویی‌ها از زبان این افراد، تصمیمات خود را تغییر می‌داده‌اند.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی میزان کاربرد اصطلاحات اخترشناسی در شاهنامه و آثار منظوم و مصور شاعران دوره اسلامی.
۲. بررسی چگونگی انعکاس اخترشناسی در نگارگری دوره اسلامی.

سؤالات پژوهش:

۱. اهمیت دانش نجوم، در شعر فردوسی و دیگر پارسی‌سرایان به چه میزان می‌باشد؟
۲. اخترشناسی در شاهنامه فردوسی و نگارگری دوره اسلامی چه بازتابی داشته است؟

کلیدواژه‌ها: اخترشناسی، شاهنامه، شاعران اسلامی، نگارگری.

مقدمه

از آغاز پیدایش بشر تا امروز نیروهای ناشناخته طبیعی و فراطبیعی به‌طور ناخودآگاه بر ذهن و روان او تأثیر نهاده‌اند. طالع‌نگری و پیشگویی سرنوشت‌ها از طریق رصد کواکب و سیارات آسمانی نیز از جمله مسائل اسرارآمیزی است که بیان کیفیت و رازهای نهفته در دل آن، امری دشوار می‌باشد. در پندار دانشمندان دوره اسلامی، زمین، مرکز جهان بود و آسمان، فضای کروی بی‌اندازه بزرگی که ستارگان و سیارات را دربرمی‌گیرد. اخترشناسی، تعبیر و تأویل رؤیا، فال‌گیری و بسیاری دیگر از کارکردهای جادویی که حاوی خبر دادن از بخت و سرنوشت آدمیان و پیش‌بینی آینده می‌باشند، همگی در ذیل حرفه پیشگویی قرار می‌گیرند. لذا، فال‌زدن از طریق دیدن ستارگان و برج‌های فلکی از دیرباز در جوامع بشری رواج داشته است. بیشتر پادشاهان و سران قبایل برای انجام اموری مانند ازدواج و مهاجرت و آغاز جنگ به مدعیان این علوم مراجعه می‌کردند؛ زیرا این دانش، افزون بر پیشگویی، شامل باید و نبایدهای فراوانی می‌شد که بر مقوله‌هایی چون سعد و نحس روزها و اوقات شبانه‌روز و رویدادهایی چون جنگ و زناشویی تمرکز می‌یافت. دنیای شاعران آن دوره نیز از این مسائل مبرا نبود و احکام نجوم در زوایای زندگی مردمان، چنان نفوذی یافته بود که مردم برای مداوای بیماران خود به‌جز پزشکان و طبیبان معتقد به احکام نجوم، به منجمان و شیادان نیز مراجعه می‌کردند (ماهیار، ۱۳۸۴: ۳۱۷ و ۱۸). ماهیت و چرایی رجوع به اخترشناسی در شاهنامه و دیگر آثار منظوم و مصور از شاعران اسلامی مسئله‌ای که این پژوهش دنبال می‌کند.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که مقالاتی در این باره به چاپ رسیده است که به آن‌ها می‌شود: نخست، مقاله‌ای تحت عنوان «بازتاب علم نجوم در شگردهای تصویرگری خاقانی» که توسط بهنام‌فر و محمدی (۱۳۸۸) به چاپ رسیده است. این دو محقق کوشیده‌اند در این مقاله به اثبات برسانند که خاقانی در بهره‌گیری از اصطلاحات نجومی، گوی سبقت را از دیگر شعرای بزرگ ربوده است. یک‌بار، با نظر به خمیدگی و چنبر طبل، به یاد خمیدگی فلک، برج قوس، هلال ماه نو و کمان فلک می‌افتد. بار دیگر شنیدن صدای بلند و گوش‌نواز آن، ترنم موسیقی فلکی و نوازندگی زُهره را برای او تداعی می‌کند. در عین حال، قابل ذکر است که هرچند خاقانی از مسائل و احکام نجومی در اشعارش، بهره فراوان برده است، استفاده او از علم نجوم و فن تنجیم، بیشتر رنگ شعری و هنری دارد و نوعی استفاده ابزاری برای تصویرگری است و چه‌بسا در برخی ابیات، عقیده به تأثیر اجرام فلکی را بی‌پایه دانسته است (بهنام‌فر و محمدی، ۱۳۸۸: ۷۵-۴۵). دومین مقاله‌ای که در آن به کاربرد مسائل نجومی در آثار پارسی‌سرایان مسلمان پرداخته شده، مقاله‌ای است تحت عنوان «کاربرد خاص اصطلاحات نجومی یکی از خصیصه‌های سبکی فردوسی» که توسط قافله‌بازی و هاشمی عرقطو (۱۳۸۹) به چاپ رسیده است و نویسندگان، کوشیده‌اند تا اصطلاحات نجومی، میزان و چگونگی استفاده از آن‌ها در شاهنامه فردوسی را مورد کاوش قرار دهند و به مقایسه بسامد کاربرد اصطلاحات نجومی در شاهنامه نسبت به دیوان دیگر شاعران بزرگ، پردازند (قافله‌بازی و هاشمی عرقطو، ۱۳۸۹: ۱۳۹-۱۱۹). مقاله‌ای دیگر موسوم به «بررسی جلوه‌های گوناگون خورشید در اشعار نظامی و انعکاس آن در خمسه شاه‌طهماسبی» نیز توسط بهناز شهنوازی (۱۳۹۸) به رشته تحریر درآمده است که نویسنده در آن به بررسی جلوه‌های نجومی خورشید در اشعار نظامی گنجوی در مقایسه با خمسه تنظیم‌شده به‌دستور شاه‌طهماسب صفوی پرداخته است. وی در مقدمه مقاله آورده است: نظامی، یکی از شاعران دوره اسلامی است که در آثار وی نیز، نجوم و اصطلاحات مربوط به آن به چشم می‌خورد. ضرورت بررسی جلوه‌های نجوم در شعر او از آن‌جا مطرح می‌شود که اشعار وی الگوی بسیاری از افراد و هنرمندان بوده

است و آثار مصوری نیز براساس آن خلق شده است که یکی از این آثار، خمسه شاهطهماسب است (شهنوازی، ۱۳۹۸: ۲۴۴-۲۳۰).

این پژوهش، با بررسی تطبیقی بازخوردهای اخترشناسانه در شعر فردوسی و دیگر شاعران دوره اسلامی، در پی آنست تا با نگاهی نو، شعر این شاعران را مورد واکاوی قرار داده، به این پرسش پاسخ دهد که اساساً اصطلاحات دانش نجوم، چه اهمیت و کاربردی در شعر شاعران این دوره داشته است. مقاله مزبور، با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و تحلیل بازتاب مضامین نجومی در اشعار پارسی‌سرایان دوره اسلامی انجام پذیرفته است.

نتیجه‌گیری

مواجهه بشر با پدیده‌هایی چون طالع‌بینی و پیشگویی با ابزاری مانند اسطرلاب و زیچ، در بیشتر آثار ادبی شاعران دوره اسلامی بازتاب یافته است. از بین تمامی آداب و فنون خبررسانی از آینده که در میان ملل شرقی رایج بوده، فنون اخترشناسی همواره از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. اعتقاد به تأثیر کرات آسمانی سبب می‌شد تا آدمیان برای مقابله با آن، از روش‌های متفاوتی همچون فال و طالع‌بینی و سعد و نحس روزها و شگون و... بهره گیرند. شاید تأثیر پدیده‌های فراطبیعی فال‌زدن و پیشگویی از طریق ستارگان در میان مسلمانان را بتوان این‌طور توجیه کرد که انسان همواره در پی راه‌های رهایی از مرگ یا آسیب‌های دیگر، به دنبال تفاسیر و توجیهات به‌ظاهر معقول بوده است. نگرستن طالع و فال‌گرفتن، در حیطه دانش اخترشناسی و پیشگویی قرار دارد که به مدد آن می‌توان در موارد خاصی، آینده را پیش‌بینی کرد. اعتقاد به تأثیر ستاره‌ها و سیارات در سعد و نحس روزها، سبب شده بود تا اخترشناسان و طالع‌بینان در نزد شاهان و مردم‌عادی، از مقام و اعتبار والایی برخوردار باشند و مردمان آن روزگاران، با خبرگرفتن از منجمان، درباره خوشی یا بدشگونی زمان انجام امور، به برنامه‌ریزی کارهای روزانه و شخصی خود بپردازند. مشاهده گردش اجرام آسمانی به‌وسیله رمل و اسطرلاب یا زیچ رومی و هندی، ابزاری بوده که منجمان به مدد آن بایست و نبایست انجام امور را برای شخص، معلوم می‌ساختند. باتوجه‌به شواهد ذکر شده در مقاله، به این نتیجه می‌رسیم که تقدیرگرایی نشأت گرفته از نظریه تأثیر افلاک و اجرام آسمانی از بن‌مایه‌های متون ادبی شاعران دوره اسلامی می‌باشد که چیرگی بی‌چون و چرای تقدیر را در این آثار به‌وضوح می‌توان مشاهده کرد.

منابع و مأخذ

- اتابکی، پرویز. (۱۳۸۱). شعر زندان (برگزیده و شرح اشعار مسعود سعد سلمان). تهران: انتشارات فرزانه.
- افشار، ایرج. (۱۳۴۸). دیوان کهنه حافظ. تهران: انتشارات فرهنگ ایران‌زمین.
- باقری، مهری. (۱۳۷۶). دین‌های ایرانی پیش از اسلام. تبریز: نشریه دانشگاه تبریز.
- بهنام‌فر، محمد؛ محمدی، محمدعلی. (۱۳۸۸). «بازتاب علم نجوم در شگردهای تصویرگری خاقانی». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد واحد سراوان، شماره ۶۶. ۷۵-۴۵.
- خاقانی، افضل‌الدین بدیل‌بن‌علی. (۱۳۶۸). دیوان خاقانی. به‌کوشش ضیاءالدین سجادی. چ ۳. تهران: زوآر.
- خرم‌شاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۷۳). حافظ‌نامه. چ ۶. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

دماوندی، مجتبی. (۱۳۸۴). جادو در اقوام، ادیان و بازتاب آن در ادب فارسی. سمنان: آبرخ.

رضی، هاشم. (۱۳۷۱). آیین مهر (میتراثیسم). چ ۱. تهران: بهجت.

رینگرن، هلمر. (۱۳۸۸). تقدیر اعتقادی در منظومه‌های حماسی فارسی (شاهنامه و ویس و رامین). بازگردان ابوالفضل خطیبی. تهران: هِرمِس.

سمیعی، کیوان. (۱۳۶۱). تحقیقات ادبی. تهران: زوآر.

شهنوازی، بهناز. ۱۳۹۸. «بررسی تطبیقی جلوه‌های گوناگون خورشید براساس نجوم قدیم در اشعار نظامی و انعکاس آن در خمسه شاه‌طهماسبی». مجله مطالعات هنر اسلامی. دوره ۱۶. شماره ۳۸. ۲۴۴ - ۲۳۰.

فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۶۶). شاهنامه. ویرایش جلال خالقی. ج ۱. نیویورک: بنیاد میراث ایران.

_____. (۱۳۷۱). شاهنامه. ویرایش جلال خالقی. ج ۳. کالیفرنیا: بنیاد میراث ایران.

_____. (۱۳۷۳). شاهنامه. ویرایش جلال خالقی. ج ۴. کالیفرنیا: بنیاد میراث ایران.

_____. (۱۳۷۵). شاهنامه. ویرایش جلال خالقی. ج ۵. کالیفرنیا: بنیاد میراث ایران.

_____. (۱۳۸۶). شاهنامه. ویرایش جلال خالقی. ج ۷. کالیفرنیا: بنیاد میراث ایران.

_____. (۱۳۸۶). شاهنامه. ویرایش جلال خالقی. ج ۸. کالیفرنیا: بنیاد میراث ایران.

قافله‌باشی، اسمعیل؛ هاشمی عرقطو، علی. (۱۳۸۹). «کاربرد خاص اصطلاحات نجومی یکی از خصیصه‌های سبکی فردوسی». فصل‌نامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی. شماره ۱: ۱۳۹ - ۱۱۹.

کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۸۶). نامه باستان. ج ۱. چ ۶. تهران: سمت.

_____. (۱۳۹۰). نامه باستان. ج ۳. چ ۶. تهران: سمت.

_____. (۱۳۹۱). نامه باستان. ج ۶. چ ۴. تهران: سمت.

ماهیار، عباس. (۱۳۸۲/الف). شرح مشکلات خاقانی (دفتر یکم؛ از ثری تا ثریا). تهران: جام گل.

_____. (۱۳۸۲/ب). شرح مشکلات خاقانی (دفتر دوم؛ خارخار بند و زندان). چ ۲. تهران: جام گل.

_____. (۱۳۸۴). شرح مشکلات خاقانی (دفتر چهارم؛ پنج نوش سلامت). تهران: جام گل.

مشکوة، فرزاد. (۱۳۷۲). آسترولوژی یا نجوم احکامی. تهران: چاپ گلچین.

منصوریان، حسین و تربتی‌نژاد، بهجت. (۱۳۹۴). رؤیای اساطیر. گرگان: تنعیم.

نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف. (۱۳۱۳). مخزن‌الأسرار. به کوشش وحید دستگری. تهران: چاپ ارمغان.

واندروردن، بارتلل. (۱۳۷۲). پیدایش دانش نجوم. بازگردان همایون صنعتی‌زاده. تهران: پژوهشگاه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.